

الگوی اعتماد سیاسی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام؛ با استفاده از تئوری زمینه‌ای (GT)

سید جواد امام‌جمعه‌زاده*

راضیه مهربابی کوشکی**

چکیده

رابطه دو سویه فرد و نظام سیاسی در جامعه، به نگرش مثبت افراد نسبت به رژیم سیاسی و متصدیان اقتدار در جامعه پیوند خورده است. مطالعه عوامل سازنده و کاهنده این ارتباط یعنی اعتماد سیاسی، مستلزم رعایت استانداردهای خاص هر زمینه و بستر اجتماعی است که در این نوشتار تلاش شده است تا از منظر امام خمینی علیه السلام الگوسازی شود. به نظر می‌رسد حضور ایشان در ساحت زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایران و آگاهی نسبت به قواعد آن، سرمایه ارزشمندی پیرامون مسئله اعتماد سیاسی در بردارد. در این پژوهش، تئوری زمینه‌ای مبنای ترسیم الگوی امام خمینی علیه السلام در این خصوص بوده است. در این راستا کلام و گفتار ایشان در صحیفه امام به عنوان یک منبع غنی مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس استراتژی تئوری زمینه‌ای در تحقیقات کیفی، سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی بر روی داده‌های متن انجام شد. همچنین نظریه امام خمینی علیه السلام درباره مفهوم اعتماد سیاسی، در چهارچوب الگوی پارادایمی به تصویر کشیده شد.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، اعتماد سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد مولد، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه

اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از عناصر سه‌گانه سرمایه اجتماعی (هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و

javademam@yahoo.com

mehrabiraziye@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲

*. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

**دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۰

اعتماد اجتماعی) موضوعی بین رشته‌ای است که در سال‌های اخیر مورد توجه صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم انسانی، به‌ویژه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و اقتصاد قرار گرفته است. سرمایه و انرژی نهفته در میان روابط و تعاملات اجتماعی نیز حامل آثار و پیامدهای درخور توجهی بوده که گشایش در بسیاری از معضلات سیاسی، مستلزم توجه به نوع و ماهیت پیوندهای اجتماعی در سطوح مختلف است.

اعتماد اجتماعی در بعد سیاسی، معرف روابط و تعاملات متقابل میان روابط شهروندان و نظام سیاسی است که تبیین و توصیف عوامل تضعیف‌کننده، تقویت‌کننده و اثرگذار بر آن، ذهن بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی و علوم سیاسی را به خود معطوف ساخته است. آنگاه که میزان مناسب اعتماد سیاسی شهروندان و نظام سیاسی به همکاری، فداکاری، مساعدت، تحمل سیاسی و پایبندی به اصول زندگی سیاسی منجر می‌شود و کیفیت نامناسب آن به نبود عنصر مفاهمه میان حکومت و حکومت‌شوندگان، یأس از نظام سیاسی، کاهش مشارکت سیاسی، کاهش تحمل مدنی و سیاسی پیش می‌رود؛ هرگونه مطالعه در این زمینه می‌تواند سیاست‌گذاران سیاسی و اجتماعی را در مدیریت بهتر جامعه یاری نماید.

مطالعات مختلفی عمدتاً با رویکرد کمی و آماری به مسئله اعتماد سیاسی و اجتماعی پرداخته و موارد بسیار اندکی روش کیفی و تاریخی را مبنای پژوهش قرار داده‌اند. (اعتمادی‌فرد، ۱۳۹۲؛ احسانیان عربی، ۱۳۹۲؛ هوشنگی و جعفرپور، ۱۳۹۱؛ سید امامی و منتظری مقدم، ۱۳۹۱ و دهقانی فیروزآبادی و بغیری، ۱۳۹۰) به نظر می‌رسد آنچه که پژوهش‌های موجود را تکمیل و غنا می‌بخشد، مراجعه به تاریخ و تجربه رفتاری ملت یا رهبران آنان است که از طریق مطالعه نظام‌کردارهای سیاسی - اجتماعی آنان قابل دستیابی است. تمرکز بر اندیشه و عمل رهبران سیاسی به دلیل حضور آنان در میدان تجربه و عمل و حائز اهمیت ویژه است.

در این مجال، هدف استحصال دیدگاه امام درباره مفهوم اعتماد سیاسی است. با توجه به فاصله زمانی میان انجام این پژوهش و حیات سیاسی و اجتماعی ایشان، به نظر می‌رسد بتوان با مراجعه به مجموعه رفتاری و گفتاری ایشان در چارچوب استراتژی «نظریه زمینه‌ای»، الگو و نظریه‌ای حول مفهوم اعتماد سیاسی بازسازی نمود که نهایتاً به دانش نسبی اما کاربردی درباره الزامات و واقعیات پیوندهای اجتماعی رسمی در بستر زندگی ایرانیان دست یافت. زیرا این ایده برای نویسندگان پررنگ است که موفقیت امام در جذب اعتماد سیاسی ملت ایران در پایه‌ریزی نظام جمهوری اسلامی و نیز هدایت و راهبری آن با وجود مصائب و سختی‌های مختلف؛ حاوی نکات کاربردی و عملیاتی ارزشمندی در مدیریت سیاسی و اجتماعی جامعه بوده که در آن ضمن توجه به مقتضیات زمان و مکان، خصوصیات روانی، جامعه‌شناختی و مذهبی زندگی ایرانی لحاظ شده است. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با سؤالات زیر روبه‌روست:

از منظر امام خمینی علیه السلام شرایط و بسترهایی که به‌ایجاد اعتماد سیاسی و یا تغییر و تضعیف آن می‌انجامد کدام‌اند؟

با توجه به بسترها و زمینه‌های مورد نظر امام، تعاملات، کنش‌ها و احساسات متقابل دولت و شهروندان چگونه ساخته می‌شوند؟

تحت شرایط و تعاملات مذکور، امام خمینی علیه السلام چه پیامدها و نتایجی را ترسیم می‌کند؟

ملاحظات مفهومی و نظری

سرمایه اجتماعی

روابط اجتماعی عنصر پیوند دهنده کنش‌گران منفرد اجتماعی به یکدیگر است. جامعه‌شناسان روابط اجتماعی و پیوندهای متقاطع و درهم‌تنیده اجتماعی را مرکز مطالعات قرار داده‌اند و عمدتاً به سبب کارکردها و آثار سیاسی و اجتماعی‌شان مورد نام سرمایه اجتماعی دانسته‌اند. به بیان دیگر پیوندهای اجتماعی را از این جهت سرمایه می‌نامند که افراد و گروه‌ها از طریق ارتباط با یکدیگر، منابع و سرمایه‌ای به دست می‌آورند که در جهت سازماندهی جمعی و داوطلبانه و حل مشکلات و مسائل عمومی به کار می‌رود. (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۰)

به دنبال پژوهش‌های کلین و پاتنام، سرمایه اجتماعی شامل برخی جنبه‌های ساختاری (شبکه‌های اجتماعی) و فرهنگی (هنجارها و اعتماد اجتماعی) تعریف می‌شود. از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی به ویژگی‌هایی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها گفته می‌شود که درون ساختارها و سازمان‌های اجتماعی قرار دارند (Putnam, 1993: 167) به نحوی که برخی از رفتارهای معین افراد جامعه را تسهیل یا منع می‌کند. (Coleman, 1990: 302) پاتنام با پیوند سرمایه اجتماعی و تعاملات مدنی استدلال می‌کند در جوامعی که دارای سطح بالایی از سرمایه اجتماعی هستند، ساختارهای سیاسی‌ای مؤثرتر و نخبگان سیاسی پاسخگوتری دارند. (Putnam, 1993: 19) با وجود نقطه‌نظرات مختلف پیرامون تعریف سرمایه اجتماعی و آثار آن، به باور جامعه‌شناسان شهیری همچون بوردیو^۱ سرمایه اجتماعی مفهومی کاملاً سیال و زمینه‌مند بوده و تا حد زیادی به بسترها و تاریخی و اجتماعی وابسته است. (فاین، ۱۳۸۵: ۱۲۳)

اعتماد سیاسی

همان‌طور که بیان شد «اعتماد اجتماعی»^۲ در کنار مفاهیمی چون هنجارها و شبکه‌های اجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. پاتنام در توضیح اعتماد متقابل به‌عنوان سنگ‌بنای سرمایه اجتماعی، آنرا به‌عنوان مفصل و رابط اصلی روابط اجتماعی معرفی می‌کند. (Putnam, 2000: 134) این مفهوم بیشتر ناظر بر اعتماد بین‌گروهی است. اعضای گروه‌های اجتماعی از طریق تماس‌های منظم و

1. Pierre Bourdieu.
2. Social Trust.

بحث های مستمر با یکدیگر، با مشکلات و مسائل مختلف جامعه درگیر می شوند. از این منظر ارتباطات و ملاقات های فردی در درون گروه های اجتماعی باعث تقویت ویژگی های مثبت در افراد گشته و به شکل گیری و تقویت اعتماد بینا فردی کمک می نماید.

در این راستا پاتنام استدلال می کند که انجمن های اجتماعی و اعتماد اجتماعی ناشی از آن، روح همکاری، یکپارچگی و انسجام را در میان شهروندان تزریق می کند. (Putnam, 1993: 89) در این شرایط افراد بدون هیچ گونه چشم داشتی به دنبال کمک به دیگران هستند، به کارهای خیریه می پردازند، به تعهدات مالیاتی خویش عمل می کنند، به دیدگاه های اقلیت ها احترام می گذارند و در دیگر اشکال همکاری های مدنی شرکت می کنند. (Putnam, 2000: 137)

اعتماد اجتماعی تنها در سطح روابط افقی و بین فردی خلاصه نمی شود و آنگاه که به سطح روابط عمودی یعنی تعاملات میان شهروندان و قدرت سیاسی وارد می شود موجد مفهوم «اعتماد رسمی»، «نهادینه» یا «سیاسی»^۱ می گردد. اعتماد سیاسی ناظر به رابطه دو سویه فرد و نظام سیاسی است و طیف وسیعی از سوءظن یا حمایت گستره از نظام سیاسی، نهادها، احزاب و یا سیاستها را شامل می شود. به بیان ایستون^۲ اعتماد سیاسی مجموعه ای از نگرش های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی است که به رژیم سیاسی و متصدیان اقتدار در جامعه باز می گردد. (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۸۴) در تبیین عوامل مؤثر و سازنده اعتماد سیاسی، دیدگاه های متنوع و گاه متفاوتی وجود دارد.

برخی نظریات بر نتایج اعتماد سیاسی متمرکز بوده و این پدیده سیاسی و اجتماعی را از منظر نتایج و آثار آن مورد تدقیق قرار داده اند. بر این اساس فقدان اعتماد در جامعه باعث گسترش شرارت، تباهی و گسست در جامعه می شود. (Tilly, 2005: 12) اعتماد سیاسی شکل گیری و تقویت مردم سالاری را تسهیل می کند و بی اعتمادی با استبداد همراه است. به طور کلی اعتماد سیاسی به عنوان آینه ای وضعیت سلامت و کارآمدی سیستم سیاسی را نشان می دهد و اعتماد پایین، نشان از ناکارآمدی و ضعف سیستم سیاسی و یا علامتی از انتظارات بالای شهروندان دارد. (Newton, 2001: 205)

شهروندان باید احساس کنند که نمایندگان آنها در نظام سیاسی به دنبال افزایش منافع عمومی در جامعه هستند. اگر برخی افراد در جامعه احساس کنند که مقامات سیاسی به دنبال منافع عمومی جامعه نیستند، هیچ دلیلی برای مشارکت آنها در امور عمومی وجود نخواهد داشت. بنابراین به نظر می رسد اعتماد رسمی یا نهادینه، نقش مهمی در حفظ و تداوم نظام های مردم سالارانه و مشارکت سیاسی بازی می کند. (Newton, 2001: 205)

پاره ای از نظریات، اعتماد سیاسی را نتیجه اقدامات پایین به بالا یعنی جامعه و شهروندان ارزیابی می کنند.

1. Political Trust.
2. Easton.

در این منظر نقش دولت، فعالان سیاسی و نهادهای حکومتی در ارتقای سطح اعتماد جامعه به سیستم سیاسی چندان مهم نیست. بر این باور، مشارکت شهروندان در چارچوب نهادهای مردم‌نهاد و داوطلبانه، سطح اعتماد عمومی در جامعه را افزایش می‌دهد. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹) به عبارت دیگر سطح بالای اعتماد اجتماعی به تقویت اعتماد سیاسی منجر خواهد شد. درحالی‌که فرهنگ مبتنی بر بی‌اعتمادی در روابط شخصی خود را به سطوح دیگر یعنی رابطه شهروندان و نظام سیاسی می‌گستراند و مانع ارتباط مبتنی بر همکاری و اعتماد سیاسی می‌گردد.

به بیان راجرز یکی از ویژگی‌های مهم جوامع سنتی عدم اعتماد متقابل، بدگمانی و حيله‌گری در روابط با یکدیگر است که به روابط شهروندان و نظام سیاسی نیز تسری می‌یابد. (ازکیا، ۱۳۷۹: ۴۵) در این راستا افرادی که به نظام سیاسی خود اعتماد بیشتری دارند، از اعتماد تعمیم‌یافته بالاتری برخوردارند. در این چارچوب رابرت لان استدلال می‌کند اگر فردی نتواند به دیگران اعتماد کند در نتیجه احتمالاً نخواهد توانست به افرادی که در حوزه‌های سیاسی فعالیت می‌کنند اعتماد داشته باشد و بنابراین انتظار می‌رود، فرد از حضور در صحنه‌های سیاسی پرهیز نماید. (Lane, 1969: 164) بدین ترتیب به نظر می‌رسد اعتماد افراد به دیگران باعث می‌شود تا انسان‌ها به مقامات حکومتی اعتماد بیشتری داشته باشند و راحت‌تر در چنین حوزه‌هایی حضور یابند. البته برخی بر این استدلال هستند که لزوماً رابطه‌ای میان سطوح افقی و عمودی اعتماد اجتماعی وجود ندارد و پژوهش‌های انجام شده مؤید رابطه ضعیفی است. (Wright, 1976: 104) برای نمونه، کاس استنتاج می‌کند که رابطه آماری بین اعتماد بینا فردی و رویکردهای سیاسی بسیار ناچیز و کم می‌باشد. (Kasse, 1999: 13)

علی‌رغم دیدگاه‌های مذکور، برخی همچون نیوتن^۱ اعتماد سیاسی را فرایندی بالا به پایین توصیف می‌کنند. این پدیده تحت تأثیر نحوه عملکرد نظام سیاسی است و عواملی چون تورم، بیکاری، فساد سیاسی، پیروزی یا شکست در جنگ، رشد اقتصادی و نرخ جرم با درجات مختلف بر میزان اعتماد شهروندان به نظام سیاسی تأثیرگذار است. (Newton, 2001: 211 - 212)

برخی پژوهش‌گران با مطرح کردن این سؤال که چرا اعمال نقش و انجام وظایف مطابق منافع و خواست شهروندان؛ گاهی به اعتماد سیاسی منتهی نمی‌شود؟ بر این نظراند که اعتماد و بی‌اعتمادی سیاسی تعریف خاصی ندارد و هر شهروند تفسیر خاصی از آن دارد. (Wroe, 2012: 9) در این چارچوب مارک هرینگتون در کتاب *کاهش اعتماد سیاسی و زوال لیبرالیسم آمریکایی اعتماد رسمی را به‌عنوان متغیری در حال تغییر معرفی می‌کند که براساس آن مردم به ارزیابی در مورد نظام سیاسی می‌پردازند.* (Hetherington, 2005: 9) هرینگتون معتقد است اعتماد رسمی بر اساس عقاید و افکار افراد در مورد نظام سیاسی تغییر می‌کند.

1. Newton.

برای مثال آمریکایی‌ها به حکومت‌های ایالتی و منطقه‌ای بیشتر از حکومت ملی اعتماد می‌کنند؛ زیرا آنها احساس می‌کنند که حکومت ایالتی کارآمدتر و پاسخ‌گوتر هستند. (Hetherington, 2005: 10) رویستن نیز استدلال می‌کند که اگر شهروندان معتقد باشند که نهادهای یک نظام سیاسی نهادهایی عادلانه هستند که به شیوه‌ای مؤثر، مناسب و کارآمد عمل می‌کنند، در آن صورت احتمالاً آنها در مسائل سیاسی نظام خویش بیشتر مشارکت خواهند کرد. (Rothstein, 2001: 11)

مرور آنچه در ادبیات نظری و جامعه‌شناختی درباره مفهوم اعتماد سیاسی ذخیره شده، نمود واضحی از اختلاف نظر و تنوع را انعکاس می‌دهد که به نظر می‌رسد ناشی از تفاوت زمینه‌های مورد مطالعه باشد. در این مجال با اشاره‌ای کوتاه به اسلوب نظریه زمینه‌ای تلاش خواهد شد دیدگاه و الگوی امام خمینی علیه السلام از مفهوم اعتماد سیاسی ترسیم و تبیین گردد.

روش پژوهش

در حوزه علوم انسانی، همگام و همسو با ظهور نظریه‌های فرائیاتی، رویکردهایی همچون نظریه زمینه‌ای^۱ شکل گرفتند. روش مذکور بر مبنای پارادایم کیفی صورت‌بندی شده و از مجموعه منظمی از رویه‌ها و فرایندهای متعدد در گردآوری و تحلیل داده‌ها به منظور توسعه نظریه مبتنی بر استقرا، بهره می‌برد. همراهی این روش با ویژگی‌های مهمی نظیر انعطاف‌پذیری و بازاندیشی سبب گردیده، محققین به منظور فهم پیچیدگی‌های روابط موجود در پدیده‌ها، از این روش استفاده نمایند. (ربانی، ۱۳۸۸: ۱۶۹)

به‌طور کلی پارادایم کیفی یا رویکرد تفسیری در جامعه‌شناسی بر ساخت اجتماعی پدیده‌ها و مفاهیم تأکید دارد و آنرا حاصل بر ساخت ذهنی کنش‌گرانی می‌داند که در یک زمینه سیاسی و اجتماعی مشترک زیست می‌کنند. مرجع نهایی در این منظر، هرگونه ساخت و تغییر در پدیده‌های اجتماعی انسان تلقی می‌شود. محقق اجتماعی با مراجعه به دنیای تفسیری کنش‌گران به دنبال وصف، رمزگشایی، ترجمه، درک، تفسیر و بازسازی معنای پدیده‌ها از دریچه نگاه افراد هستند. (رجوع شود به: ایمان، ۱۳۹۰: فصل دوم؛ نیومن، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۹۸ - ۱۸۱؛ محمدپور، ۱۳۸۹ الف: فصل یازدهم؛ فلیک، ۱۳۸۲: فصل اول و دوم؛ لیندلف، ۱۳۸۸: ۲۷)

در روش‌های کیفی تلاش می‌شود الگو یا نظریه به‌طور استقرایی و از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها بازسازی و بازنمایی شود. به عبارت دیگر محقق با نظریه یا نظریات از پیش انگاشته‌ای به توصیف و تبیین مسائل اجتماعی نمی‌پردازد؛ بلکه اجازه می‌دهد نظریه یا الگوی نظری، از دل جهان اجتماعی افراد خلق شود. روش مبتنی بر تئوری زمینه‌ای با سازماندهی فرایند جمع‌آوری و پردازش داده‌ها در

۱. گراند تئوری Grounded Theory به عبارات متعددی ترجمه شده از جمله «نظریه مبنایی»، «تئوری داده‌بنیاد»، «نظریه‌پردازی داده‌محور»، «تئوری زمینه‌ای»، «نظریه زمینه‌منا» که البته توافق چندانی در کاربرد آن وجود ندارد که در این پژوهش از «نظریه یا تئوری زمینه‌ای» استفاده خواهد شد.

مراحل سه‌گانه کدگذاری، به ارائه یک مقوله هسته یا مرکزی می‌انجامد و نهایتاً با ارائه الگوی پارادایمی تلاش می‌کند پدیده اجتماعی را در سه بعد شرایط، تعاملات (کنش و کنش متقابل) و پیامدها در معرض دید قرار دهد. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۴۷ - ۳۴)

آنچه از پژوهش و نظریه داده‌محور انتظار می‌رود این است که یک رویداد یا مفهوم و پدیده اجتماعی به دست چه کسانی، چگونه، در چه وقت، چرا و با چه پیامدهایی در یک بستر و صورت زندگی سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌شود و تغییر می‌یابد. (همان: ۴۴) به بیان دیگر نظریه زمینه‌ای امکان‌اتی در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌دهد که با لحاظ کردن آن می‌توان به بازسازی معنای مفاهیمی همچون اعتماد سیاسی پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که اصولاً فرد یا افراد، چه درکی از اعتماد سیاسی دارند و آنرا چگونه ارزیابی می‌کنند؟

یکی از مسایل مهم در پژوهش‌های کیفی این است که مورد مطالعه محقق چه افرادی هستند؟ پژوهش کیفی به دنبال کشف معنا یا ماهیت تجربه افرادی است که با آن پدیده و مسائل آن در زندگی روزمره درگیر هستند و افراد نسبت به حضور این مفهوم یا پدیده در صحنه زندگی واقعی، خودآگاهی دارند. به عبارت بهتر در تبیین و توضیح اعتماد سیاسی، محقق می‌بایست بداند که از منظر چه کسانی می‌تواند به موضوع نگاه کند و دیدگاه چه کسانی برای او اصالت دارد.

آنچه در این دست پژوهش‌ها حائز توجه است رجوع محقق به «دروازه‌بانان» یا «افراد مطلعی»^۱ است که بیشترین درگیری را با رویداد یا پدیده مورد مطالعه دارند. این افراد می‌توانند اطلاعات زیاد، غنی و پرمایه‌ای از موضوع داشته باشند. (محمدپور، ۱۳۸۹ ب: ۳۲۲، ایمان، ۱۳۹۰: ۱۶۵ - ۱۶۴)

در این مقاله امام خمینی علیه السلام بهترین و شایسته‌ترین کسی است که می‌توان با مراجعه به آثار و بیانات مکتوب ایشان، مفاهیم سیاسی را بازتعریف و بازسازی نمود. تجربه ایشان در دوره مبارزه با رژیم پهلوی و رهبری سیاسی نظام جمهوری اسلامی، حاوی اطلاعات و قواعدی است که به مفهوم اعتماد سیاسی معنای خاصی می‌بخشد. به نظر می‌رسد امام به‌عنوان سیاست‌مداری عمل‌گرا^۲ و مجتهدی که مقتضیات زمان و مکان^۳

1. Informant.

۲. امام خمینی علیه السلام از جمله کسانی است که می‌توان او را عمل‌گرا، نه به مفهوم پراگماتیستی آن نامید. تلاش برای بالفعل کردن نظریه ولایت فقیه، در کنار اعتقاد ایشان به معرفت همراه با عمل، مؤید این مدعاست. به بیان ایشان: ادراک عقلانی می‌بایست با عمل معقوله همراه باشد. ایمان خالی از عمل به ایمان شیطان میماند و کمال انسانی از طریق عقل عملی میسر می‌گردد. (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳ / ۳۴۱)

۳ امام خمینی علیه السلام در این خصوص می‌نویسد: «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد». (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۱ / ۲۸۹)

را مورد توجه قرار می‌دهد؛ فردی است که به ویژگی‌های اجتماعی، روانی و سیاسی مردم ایران اشراف دارد و از قواعد انحصاری این زمینه آگاه است و می‌توان به قضاوت و تجربه ایشان در مورد موضوعاتی چون اعتماد سیاسی مراجعه و نسخه بومی از اعتماد سیاسی بازسازی نمود.

البته دوری از حیات و زندگی سیاسی ایشان نمی‌تواند مانع این پژوهش باشد چراکه براساس اسلوب روش‌های کیفی، مراجعه به اسناد، مدارک و مکتوبات، یکی از منابع اصلی در جمع‌آوری داده‌ها محسوب می‌شود. (مورس، ۲۰۰۱: ۱۶ - ۱؛ نیومن، ۱۳۸۹: ۱ / ۳۵۶) صحیفه ۲۲ جلدی از سخنان و بیانات امام که در قالب نرم‌افزار تهیه شده، مهم‌ترین مرجع این جستار در نظر گرفته شده و تلاش شد تا تکنیک‌های موجود در نظریه زمینه‌ای در جهت ساخت الگوی امام از مفهوم اعتماد سیاسی پیاده گردد.

کدگذاری

در روش نظریه زمینه‌ای، «کدگذاری» مرحله‌ای است که پژوهشگر مفاهیمی که سنگ‌بنای نظریه‌اند را شناسایی می‌کند، می‌پروراند و به هم ربط می‌دهد. در واقع این مرحله شامل مفهوم‌سازی، فروگاهی، مقوله‌پردازی، و ربط‌دهی یا نسبت‌دهی مقوله‌ها می‌باشد. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۳۳)

کدگذاری باز: کدبندی باز از نظر واحد تحلیل می‌تواند به صورت سطر به سطر یا عبارت به عبارت انجام شود. به هر واحد کدبندی مفهوم یا کدی الصاق می‌شود که باید بتواند حداکثر فضای مفهومی و معنایی آن را اشباع کند. در این مرحله هیچ‌گونه تحلیل و تبیینی بر داده‌ها اعمال نمی‌شود و فقط واحدهای اطلاعاتی به مفاهیم توصیفی تقلیل می‌یابند. (همان)

کدگذاری محوری: در این مرحله کدهای توصیفی بر حسب ویژگی‌های مشترک در ذیل مفاهیم و مقوله‌ها ترکیب می‌شوند. مرتب‌سازی و تقلیل مقولات آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا مقوله‌های محوری پدیدار شوند. در این مرحله محتوا و ابعاد هر مقوله مشخص و ارتباط آن با سایر مقولات و مفاهیم اصلی تحلیل و تبیین می‌شود.

کدگذاری گزینشی: انتخاب مقوله هسته در این مرحله انجام می‌شود. در روش استراوس - کوربین، پیرامون مقوله هسته، مقولات محوری قرار می‌گیرند که بیان‌کننده شرایط، کنش‌ها، تعاملات و پیامدهای پدیده مورد مطالعه از منظر کنش‌گران اجتماعی است. بدین ترتیب سازه یا الگوی نظری (الگوی پارادایمی) از فرآیند مرتب‌سازی و اتصال مقوله‌ها حول یک مقوله یا مفهوم مرکزی، پالایش و آراسته می‌گردد. (نیومن، ۱۳۸۹: ۲ / ۴۸۸ - ۴۹۳؛ محمدپور ۱۳۸۹ ب: ۳۳۰ - ۳۲۸؛ استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۸۰ - ۱۲۳)

الگوی پارادایمی

در سنت استراوس - کوربین، تمام داده‌هایی که حول «مقوله مرکزی» جمع شده‌اند می‌بایست بازتاب‌کننده

شرایط، استراتژی‌های افراد (کنش و کنش متقابل) و نهایتاً پیامدهای رفتاری پدیده مورد مطالعه باشد. لذا الگوی صوری پژوهش می‌بایست از سه عنصر شرایط، تعامل و پیامدها منتج گردد تا ساخت مفهوم اعتماد سیاسی از منظر امام ظاهر و پدیدار شود. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۴ - ۱۵۳)

۱. شرایط: بیانگر آن دسته از شرایط، موقعیت‌ها و زمینه‌هایی است که به ظهور و شکل‌گیری پدیده مورد مطالعه (اعتماد سیاسی) منتهی شده‌اند. شرایط، بسترهای ساختاری هستند که به کنش و انتخاب‌های افراد شکل می‌دهد و از سطح خرد تا کلان را شامل می‌شود. استراوس و کوربین این ساختارها را در سه دسته «شرایط علی»، «شرایط مداخله‌گر» و «شرایط زمینه‌ای» منفک کرده‌اند. شرایط علی یا سبب‌ساز معمولاً در ایجاد و شکل‌گیری پدیده مستقیماً اثرگذارند، درحالی‌که شرایط دخیل یا مداخله‌گر، شرایط علی را تخفیف یا به‌نحوی تغییر می‌دهند و غالباً شامل اوضاع و احوال اتفاقی و نامنتظره‌اند. شرایط زمینه‌ای نیز به مجموعه شرایطی مربوط می‌شود که مخصوص بستر و موقعیت زمانی و مکانی مورد مطالعه است. (همان)
۲. تعاملات، راهبردها یا فرآیندها: بیانگر آن دسته از تعاملات و کنش‌هایی است که کنش‌گران در قبال شرایط مذکور از خود بروز می‌دهند. به عبارت دیگر تعاملات، راهبردها و فرآیندها عبارتند از جریان عواطف، کنش و کنش‌های متقابلی که در پاسخ به رویدادها، موقعیت‌ها و مسایل روی می‌دهند. (همان)
۳. پیامدها و نتایج: بیانگر نتایج و پیامد تعاملات و رفتارهاست. (محمدپور ۱۳۸۹ ب: ۳۳۰)

الگوی اعتماد سیاسی از منظر امام خمینی علیه السلام

یافته‌های اولیه

نتیجه کدگذاری باز *صحیفه امام* استخراج ۴۷ مفهوم و ۱۰ مقوله بود. مرکز ثقل اعتماد سیاسی از دیدگاه امام یا مقوله هسته «اعتماد متقابل» گزینش شد که سایر مقولات در رابطه با آن معنا می‌یابند. برای چینش الگوی پارادایمی و به تصویر کشیدن الگوی صوری اعتماد سیاسی امام، مقولات ۱۰ گانه در پنج طبقه تقسیم‌بندی شد.

در بُعد شرایط، از الگوی پارادایمی مقولات «میزان شکاف دولت - ملت»، «میزان توجه به مردم» و «میزان تعهد و خدمت» به عنوان شرایط علی، مقوله «رسانه‌های ارتباط جمعی» به عنوان شرایط مداخله‌گر و مقوله‌های «نظام استبدادی» و «مردم‌سالاری دینی» در چارچوب شرایط زمینه‌ای جای‌گذاری شد. همچنین چهار مقوله «کنش‌های انفعالی»، «تقابل خصومت‌آمیز»، «مساعدت همدلانه» و «پیوندهای درونی» به عنوان تعاملات و کنش‌های متقابل قرار گرفت و پیامدها و نتایج برخاسته از اعتماد سیاسی از منظر امام در مقوله «حفظ نظام سیاسی» به دست آمد. در زیر مراحل تشکیل مفاهیم و مقوله‌های محوری در جدول شماره یک و دو به همراه الگوی پارادایمی اعتماد سیاسی نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: مراحل تبدیل کدهای توصیفی به مفاهیم

مفهوم	اهم کدهای توصیفی
عدم تطبیق گفتار و رفتار دولتمردان جذب اعتماد از طریق فریب و اغفال مردم	از قراین ظاهر می‌شود دستگاه جبار درصدد تصرف در احکام ضروریه اسلام است ... چون با عکس‌العملی از طرف مسلمین مواجه شدند، مُزورانه انکار نمودند و عذر بدتر از گناه خواسته‌اند. غافل از آنکه ما آنها را خوب می‌شناسیم، و به گفتار آنها اعتماد نداریم (امام خمینی، ۱۳۸۶، ۱ / ۱۹۹) شما او را نمی‌شناسید، او حيله کرده است؛ می‌خواهد ما و شما را اغفال کند. می‌خواهد به زندگی جنایت‌بار خود ادامه دهد ... شما توجه کنید به این معنا که وساطت از کسی که به قولش اعتماد نیست. (همان: ۴ / ۱۲۵)
تظاهرات علیه دولت وابستگی سیاسی و اقتصادی به بیگانگان	این عنصر نالایق بود که تمام حیثیت و شرافت و استقلال و اقتصاد این ملت بزرگ شریف را پایمال اهوای خود و فامیل چپاولگر خود نمود. این تظاهرات برای شخص نبود؛ اظهار تنفر از دستگاه جبار و رفراندم حقیقی و رأی عدم اعتماد بر دستگاه خیانتکار بود. (همان: ۳ / ۲۶۰) باید اینها بدانند که اگر یک روز در پناه سرنیزه اجانب نباشند، ملت نجیب ایران انتقام خون جوانان و عزیزان خود را از آنها می‌گیرند. من ناچارم اعلام خطر بزرگی بکنم و ملت را از اغفال و خدعه اجانب و عمال آنها نجات دهم. این مسامحه اخیر دولت که نویسندگان را مجال نوشتن و گویندگان را مجال گفتن داد حيله بزرگی است برای تطهیر شاه و وانمود کردن آزادی ادعایی؛ (همان)
اعمال سیاست ارباب و وحشت	عجب است که دستگاه بی‌پروا ادعا دارد که قاطبه ملت با اوست و از پشتیبانی اکثریت قاطع برخوردار است. با این وصف، در تمام شهرستان‌ها، قرا و قصبات به دست و پا افتاده و با ارباب و تهدید ملت، خفقان ایجاد می‌کند. اگر این ادعا صحیح است ملت را این چند روز به حال خود واگذارند تا از پشتیبانی مردم ممتنع شده. (همان: ۱ / ۲۲۹ و ۲۹۷)
خشم و عصبانیت ملت	حالا دیدید شما که با زجر، با کتک، با حبس، با شکنجه، با تبعید، با اهانت، با همه این امور، بُردی نکردید؛ دیدید که ملت عصبانی می‌شود؛ نمی‌شود یک ملت را تا آخر زیر چکمه نگه داشت. (همان: ۱ / ۲۹۷)
خدمتگزاری متصدیان امور دوستی دولت و ملت	تلف کنید به مردم؛ تواضع کنید به مردم. آقا دولت مال مردم است؛ بودجه مملکت از جیب مردم است؛ شما نوکر مردم هستید؛ دولت‌ها خدمتگزار مردمند، (همان: ۱ / ۲۹۷) این حالی است که ملت از دولت جدا نیست. این حال؛ همانی است که اسلام می‌خواهد که دولت‌ها خدمتگزار ملت‌ها باشند. (همان: ۱۰ / ۴۱۷)

مفهوم	اهم کدهای توصیفی
<p>ترس مردم از دولت احساس بیگانگی از دولت انفعال سیاسی ملت</p>	<p>رضاخان یک آدم قلدری بود و همه‌اش قلدری می‌کرد؛ ملت هم آن وقت در مقابلش هیچ ایستادگی نداشت؛ یعنی کم بود، البته بود اما کم بود. (همان: ۳ / ۴۹۰؛ ۱۰ / ۴۱۷) آن وقت هم مثل حالا نبود که، یعنی مثل این یک سال که ملت تحولی درش پیدا شده باشد که [بتواند] «چرا» بگوید یا قیام برخلاف بکند، هیچ ابداً صحبت از اینکه یک مطلبی برخلاف رأی رضاخان بگویند. (همان: ۵ / ۶۱)</p>
<p>اعتماد مردم به روحانیت</p>	<p>مردم مطیع علمای خود هستند و اگر علما اشاره نمایند ... اطاعت می‌کنند و دست از کسب خود برمی‌دارند ... (همان: ۱ / ۱۰۳) اگر دین و روحانیت را از این نهضت از اول برمی‌داشتیم، اصلاً نهضتی نمی‌شد، مردم به کس دیگری گوش نمی‌دادند. (همان: ۱۱ / ۴۶۰؛ ۵ / ۷۱ و ۴۲۷ / ۶ / ۱۶)</p>
<p>نقض قوانین فرار مالیاتی تضییع اموال عمومی، کارشکنی در اجرای امور تنهایی دولت در شرایط جنگ و تحریم دوقطبی دولت و ملت فداکاری ملت در شرایط بحران</p>	<p>دولت و مردم نایستی از یکدیگر جدا باشند؛ اگر جدا شدند، ملت از گرفتاری دولت خوشنود می‌شود و مردم از مالیات و کار می‌دزدند؛ ولی هرگاه یکی باشند، مردم گلیم زیرپای خود را در مواقع لزوم می‌فروشند و به دولت می‌دهند تا رفع نیاز دولت بشود. (همان: ۱ / ۱۲۳ - ۱۲۲؛ ۸ / ۲۲۳؛ ۱۰ / ۴۱۷؛ ۱۶ / ۴۹۳)</p>
<p>جذب اعتماد از طریق زور و تزویر شادمانی از برکناری دولتمردان</p>	<p>قانون اساسی بعد از اصلاح این موادی که با سرنیزه درست شده است ... و اینها را به این سلطنت منحوسه رساند، با سرنیزه بود، با سرنیزه رضاخان بود ... مرم اختیاری نداشتند؛ سرنیزه این کارها را کرد. این مقبول ملت نیست ... وقتی که یک شخصی، یک سلطانی، یک قدرتمندی، پشتوانه ملت را ندارد، این است که وقتی که می‌برند او را ... این ملت شادی می‌کند که خوب شد رفت. (همان: ۳ / ۴۱۷؛ ۴ / ۳۶۹؛ ۵ / ۳۱۶) رضاخان آمد روی کار ... ابتدا هم خیلی اظهار دیانت و اظهار اسلامیت، و در ماه محرم، در شب‌های ماه محرم گاهی می‌گفتند پابرهنه این طرف آن طرف می‌رود برای عزاداری! تا وقتی که حکومتش یک حکومت مستقری شد. آن وقت که حکومت مستقر شد، دست به نیزه و سرنیزه برد و کوبید همه اقشار ملت را. (همان: ۵ / ۶۱)</p>
<p>بی‌توجهی به ملت احساس بی‌نیازی نسبت به مردم</p>	<p>همه کارهایی که رضاخان کرد کارهای سرنیزه‌ای بود. اصلاً به ملت، کسی اعتنا نداشت؛ چنانچه حالا هم به ملت، اینها اعتنا ندارند. (همان: ۴ / ۳۴۸)</p>

مفهوم	اهم کدهای توصیفی
شادمانی از برکناری دولتمردان	به جای اینکه این ملت ما عزادار باشد، خدا می‌داند که خوشحال شد؛ و برای اینکه رضاخان را بیرونش کرد. (همان: ۴ / ۱۱۲)
خدمتگزاری متصدیان امور	وظیفه همه ما و همه شما و همه کسانی که دست‌اندرکار امور مردم هستند، از دولت و از همه، این وضع را پیدا بکنند که خودشان را خدمتگزار بدانند. (همان: ۱۳ / ۳۷۰)
پاکدستی دولتمردان	هیئت حاکمه عادلانه که مورد اطمینان جامعه باشد و برای جامعه خدمت کند. و دستش به مال جامعه دراز نباشد. دستش به صندوق دولت خیانت نکند... دزدی‌های از آن استثنا بشود. (همان: ۴ / ۴۰)
دوستی دولت و ملت حمایت ملت از دولت خدمتگزار همکاری و مساعدت دولت و ملت	با ملت‌های خودتان دوست باشید؛ و آنها پشتیبان شما، و شما خدمتگزار آنها. اگر ملت‌ها احساس بکنند که دولت‌ها برای پشتیبانی و خدمت به آنها آمدند، هیچ اشکال نیست که آنها هم در خدمت حاضرند. و بیشتر حاضرند. این مسئله به دست خود دولت‌هاست که حل کنند. و مع‌الأسف نمی‌کنند. (همان: ۱۰ / ۴۱۷)
پیوند عاطفی میان دولت و ملت پایگاه اجتماعی دولت حمایت ملت از دولت خدمتگزار خصوصیت میان دولت و ملت	کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است؛ قدرت در دست شما باقی می‌ماند، و مردم هم پشتیبان شما می‌مانند؛ اگر یک کسی بیاید بخواهد به شما یک تعدی بکند، ملت به او حمله می‌کند. به خلاف اینکه اگر مردم دیدند که اینها با آنها نیستند، اینها دشمن آنها هستند، اگر یک کسی بیاید، یک دزدی بیاید بخواهد به شما حمله کند، آنها کمکش هم می‌کنند. (همان: ۷ / ۵۱۲)
برداشت مثبت شهروندان از خدمات دولت کارشکنی در اجرای امور همکاری و مساعدت دولت و ملت	مردم احساس کنند که اینها به نفع آنها عمل می‌کنند ... لهذا اگر یک مشکلی پیدا می‌شد برای دولت، علاوه بر اینکه مردم همراهی نمی‌کردند، هرچه می‌توانستند کارشکنی می‌کردند. (همان: ۱۳ / ۳۷۰)
تعهد مراجع امور به اسلام تخصص دولتمردان پاکدستی دولتمردان	آنهايي که در رأس کار هستند، خصوصاً روحانیونی که در رأس کار هستند، اینها جدیت کنند و اینکه مبدا خدای نخواستہ چهره جمهوری اسلامی به‌طور قبیح بین مردم وجود پیدا کند. این اهمیت در رأس همه امور این معناست. اموال چیزی نیست ببرند، بخورند، یا بگیرند؛ یا برای مستضعفین کار بکنند. (همان: ۸ / ۱ و ۷) ما احتیاج به رجال متدین و قابل اعتماد داریم که دارای شرایطی باشند علاوه بر تدین و علاقه به اسلام: ۱. نداشتن افکار مکاتب انحرافی ۲. مطلع و مدیر باشند ۳. معروف به ملیت و خوش‌نام ۴. در دولت‌های فاسد و مجلسین معروف به فساد، عضویت نداشته باشد ۵. از سرمایه‌داران و معروف به سرمایه‌دار نباشند ۶. از طبقه روحانیون نباشند. (همان: ۵ / ۱۵۱؛ ۱۲ / ۴۷۹؛ ۱۴ / ۳۲۳)

مفهوم	اهم کدهای توصیفی
<p>رأی اعتماد از طریق انتخابات</p>	<p>مردم هستند که باید افراد کاردان و قابل اعتماد خود را انتخاب کنند و مسئولیت امور را به دست آنان بسپارند (همان: ۵ / ۱۳۷) همین مرم در همین جا، شمایی که الان به مقام ریاست جمهور رسیدید، اگر فردا - خدای نخواستہ - تخطی کنید از آن راهی که راه ملت است و راهی که اسلام پیش پای همه ما گذاشته است، همین سیزده میلیون و زیادت‌تر که به شما رأی دادند و اعتماد به شما کردند، برمی‌گردند. (همان: ۱۵ / ۷۳)</p>
<p>حمایت ملت از دولت خدمتگزار</p>	<p>از دولت خود پشتیبانی کنید، من پشتیبان او و شما پشتیبان او؛ تا مسائلی که باید او اجرا کند با آرامی اجرا کند (همان: ۶ / ۳۶۳) یک همچو ملتی که ما داریم به این صفا، به این خوبی که در همه قضایا پشتیبان دولتشان هستند، پشتیبان رئیس‌جمهورشان هستند، پشتیبان مجلسشان هستند، حیف است که این ملت را ما عواطفشان را جریحه‌دار کنیم (همان: ۱۳ / ۷۹) لذا باید با کمال دقت و هوشیاری و صحبت، با دولت موقت اسلامی همکاری همه جانبه نموده و از دستورات و رهنمودها اطاعت و از اقدامات دولت پشتیبانی قاطع نمایید. (همان: ۶ / ۱۴۲)</p>
<p>وجود تفاهم میان ملت و دولت سلامت نظام سیاسی رژیم‌های استبدادی - پادشاهی دوقطبی دولت و ملت حکوت زور و سرنیزه فرار مالیاتی کارشکنی در اجرای امور عدم پشتیبانی مردم از دولت خصومت میان دولت و ملت بی‌ثباتی حکومت فقدان پایگاه اجتماعی دولت</p>	<p>اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد و مع‌الأسف در رژیم‌های شاهنشاهی، و بخصوص در رژیم اخیر، آن معنا عکس بود. یعنی دستگاه حاکمه، همه دستگاه حاکمه، در یک قطب واقع شده بود، و ملت هم در یک قطب. آن دستگاه حاکمه کوشش می‌کرد که با ارباب و با فشار و با آزار و شکنجه و حبس و امثال اینها با ملت رفتار کند. و ملت هم اگر زور نداشت کوشش می‌کرد که مالیات نپردازد؛ از زیر بار همه‌چیز در برود؛ هرچه بتواند کارشکنی کند برای دولت، و از این جهت شکاف بین مردم و دولت حاصل می‌شد و دولت هم هیچ پشتیبان نداشت و دستگاه حاکمه، یک امر به خیال خودش مستقلی بود که هیچ ارتباطی با ملت نداشت. ملت هم به آن هیچ اعتماد نداشت، آن را دشمن خودش می‌دانست. ارتش وقتی می‌آمد توی مردم، مثل اینکه دشمن آمده است، همه جمعیت از آن فرار می‌کردند و پشت می‌کردند به آن و پاسبان وقتی که می‌آمد در بین مردم، مردم از او فرار می‌کردند؛ تنفر داشتند. و اینها اسباب این شد که نتواند حکومت باقی بماند، و با پایگاه نداشتن در پیش ملت ناچار باید کنار برود و رفت. این باید یک عبرتی باشد برای دولت‌ها. (همان: ۸ / ۲۳۰)</p>

مفهوم	اهم کدهای توصیفی
وجود تفاهم میان ملت و دولت دولت اسلامی و مردمی هم‌ترازی معیشت دولتمردان با ملت نقض قوانین حکومت زور و سرنیزه	در رژیم اسلامی شاید در رأس برنامه همین تفاهم ما بین دولت و ملت باشد. یعنی نه دولت خودش را جدا می‌داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند، ارباب بکند، اذیت بکند؛ و نه مردم درصدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند یا فرار بکنند از مقررات دولتی. اسلام وضعش از اول این طور بوده است که آن حاکمش که رأس بوده است، در زندگی، در معاشرت، در اینها، با مردم یا پایین‌تر بوده است یا همان جور ... (همان: ۸ / ۱۳۱ و ۲۳۰)
دوقطبی دولت و ملت پایین‌تر دانستن مردم فرار مالیاتی	حکومت‌ها خودشان را جدا ندانند از مردم. رؤسا این‌طور نباشد که بروند هر کس در هر جایی یک ریاستی داشت، بخواهد اعمال قدرت بکند؛ اعمال ریاست بکند؛ مردم را پایین‌تر بداند؛ با مردم رفتاری بکند که رفتار یک مثلاً زورمند خیلی کذا است با دیگران. اسباب این می‌شود که مردم از آن جدا بشوند؛ مردم مالیات ندهند، فرار کنند از مالیات. دو نفر داشته باشند. (همان: ۸ / ۲۳۳ - ۲۳۲)
هماهنگی دولت و ملت حمایت ملت از دولت خدمتگزار آسیب‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی	آشکار است و همه ملت از دولت‌اند و دولت هم از ملت است. دولت و هر چه متعلق به دولت است، خدمتگزار ملت است و ملت هم پشتیبان دولت، و تا این هماهنگی میان همه قشرها هست، آسیب نخواهد دید این جمهوری اسلامی. (همان: ۱۶ / ۳۸۸)
آسیب‌پذیری سیاسی و نظامی حکومت شایعه پراکنی رسانه‌ها علیه دولت تبلیغات غیرواقعی علیه دولت	از جمله چیزهایی که محتمل است توطئه باشد برای تضعیف دولت اسلامی، مطالبی است که در بین ملت پخش می‌شود و در رسانه‌ها تعقیب می‌شود و از دولت انتقادهای غیرصحیح می‌شود؛ و کوشش می‌شود دولت را در نظر مردم بد جلوه دهند. من نمی‌گویم دولت صددرصد موفق است؛ لکن می‌گویم خدمتگزار است و کوشش دارد انجام خدمت بدهد (همان: ۹ / ۲۶) آبروی قشر بسیار زحمتکش را - که با حقوق ناچیز کار می‌کنند - می‌ریزد و ملت را به دولت خدمتگزار و ادارات مظلوم بدبین می‌کند و ممکن است انعکاس آن موجب شکست سیاسی بلکه نظامی برای کشور اسلامی باشد. (همان: ۱۹ / ۴۲۱)
حکومت طاغوت	دولت‌ها خدمتگزار مردم هستند، نه فرمانفرما. این رژیم طاغوتی است که مثلاً یک نخست‌وزیرش، یک رئیس‌جمهورش، فرمانفرمایی بخواهد بکند، طاغوت همین است. (همان: ۹ / ۱۸)
عدم پشتیبانی مردم از دولت حکومت خودکامه	یک اشکال، اشکالی است که بین ملت‌ها و دولت‌هاست که دولت‌ها خودشان را فرمانفرما و ولی امر و همه چیز می‌دانند، و برای ملت هیچ [اعتباری] قائل نیستند. از این جهت از پشتیبانی ملت محروم‌اند. (همان: ۱۱ / ۹۴)

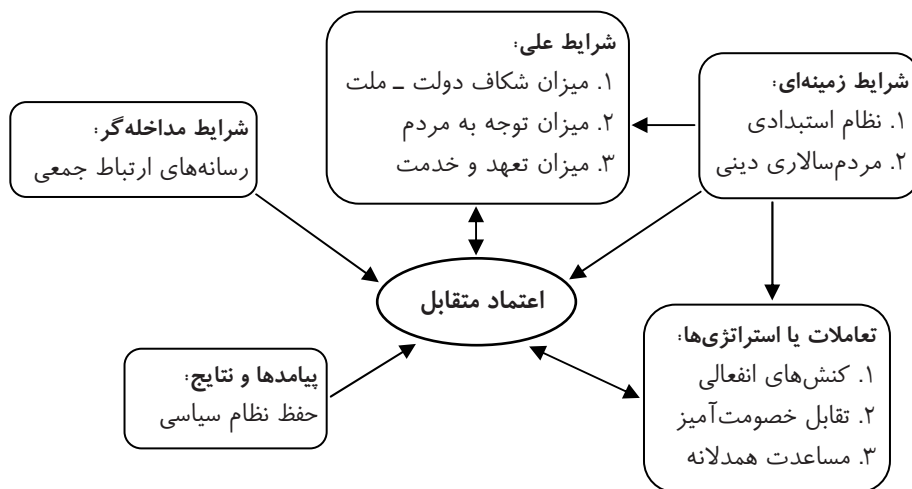
مفهوم	اهم کدهای توصیفی
دوقطبی دولت و ملت فداکاری ملت در شرایط بحران	دولت و مردم نبایستی از یکدیگر جدا باشند؛ اگر جدا شدند، ملت از گرفتاری دولت خشنود می‌شود و مردم از مالیات و کار می‌دزدند؛ ولی هرگاه یکی باشند، مردم گلیم زیرپای خود را در مواقع لزوم می‌فروشند و به دولت می‌دهند تا رفع نیاز دولت بشود. (همان: ۱ / ۱۲۳ - ۱۲۲)
اعتماد دولت به مردم	یک حال طمأنینه و حال اطمینان به ملت، اطمینان به کشور، اطمینان به همه چیز کشور حاصل می‌شود که سرآمد همه خوبی‌هاست. (همان: ۱۱ / ۴۳)
رأی اعتماد از طریق انتخابات	باید به اشخاصی که احتمال انحراف در آنان می‌رود رأی ندهند - چه احتمال انحرافی عقیدتی، اعمالی و یا اخلاقی - که به چنین اشخاص اعتماد نمی‌شود کرد و رأی به آنان موجب مسئولیت خواهد بود. (همان: ۳ / ۴۷۳؛ ۱۲ / ۲۷۸)

جدول شماره ۴: مراحل تبدیل مفاهیم به مقوله‌های محوری و طبقات الگوی پارادایمی

مفهوم هسته	طبقات	مقوله‌های محوری	مفاهیم
اعتماد متقابل: حسن ظن و اعتماد دوجانبه ملت و دولت بنیان اصلی روابط مبتنی بر همکاری، تفاهم و همیاری میان شهروندان و نظام سیاسی است همان‌گونه که حاکمیت سوءظن و خصومت بر روابط دولت و ملت نتیجه‌ای جز خشنودی، بی‌تفاوتی و کارشکنی در اداره امور نخواهد داشت.	شرایط علی	میزان شکاف دولت - ملت	۱. پایین‌تر دانستن مردم ۲. وابستگی سیاسی و اقتصادی به بیگانگان ۳. دوقطبی دولت و ملت
		میزان توجه به مردم	۴. بی‌توجهی به ملت ۵. احساس بی‌نیازی نسبت به مردم
		میزان تعهد و خدمت	۶. خدمتگزاری متصدیان امور ۷. هم‌ترازی معیشت دولتمردان با ملت ۸. تعهد مراجع امور به اسلام ۹. تخصص دولتمردان ۱۰. پاکدستی دولتمردان
	شرایط زمینه‌ای	نظام استبدادی	۱۱. رژیم‌های استبدادی - پادشاهی ۱۲. حکومت زور و سرنیزه ۱۳. فقدان پایگاه اجتماعی دولت ۱۴. حکومت طاغوت ۱۵. حکومت خودکامه
		مردم‌سالاری دینی	۱۶. اعتماد مردم به روحانیت ۱۷. دولت اسلامی و مردمی ۱۸. پایگاه اجتماعی دولت

مفاهیم	مقوله‌های محوری	طبقات	مقوله هسته
۱۹. شایعه پراکنی رسانه‌ها علیه دولت ۲۰. شیوع تبلیغات غیرواقعی علیه دولت	رسانه‌های ارتباط جمعی	شرایط مداخله‌گر	
۲۱. ترس مردم از دولت ۲۲. انفعال سیاسی ملت ۲۳. احساس بیگانگی از دولت	کنش‌های انفعالی	تعاملات یا استراتژی‌ها	
۲۴. عدم تطبیق گفتار و رفتار دولتمردان ۲۵. اعمال سیاست ارباب و وحشت ۲۶. جذب اعتماد از طریق زور و تزویر ۲۷. خصومت میان دولت و ملت ۲۸. عدم پشتیبانی مردم از دولت ۲۹. تظاهرات علیه دولت ۳۰. خشم و عصبانیت ملت ۳۱. نقض قوانین ۳۲. فرار مالیاتی ۳۳. تزییع اموال عمومی ۳۴. کارشکنی در اجرای امور ۳۵. شادمانی از برکناری دولتمردان ۳۶. تنهایی دولت در شرایط جنگ و تحریم	تقابل خصومت‌آمیز		
۳۷. همکاری و مساعدت دولت و ملت ۳۸. فداکاری ملت در شرایط بحران ۳۹. حمایت ملت از دولت خدمتگزار ۴۰. رأی اعتماد از طریق انتخابات ۴۱. هماهنگی دولت و ملت ۴۲. برداشت مثبت از خدمتگزاران ۴۳. دوستی دولت و ملت ۴۴. پیوند عاطفی میان دولت و ملت ۴۵. وجود تفاهم میان ملت و دولت ۴۶. اعتماد دولت به مردم	مساعدت همدلانه		
۴۷. سلامت نظام سیاسی ۴۸. آسیب‌پذیری سیاسی و نظامی حکومت ۴۹. بی‌ثباتی حکومت	حفظ نظام سیاسی	نتایج و پیامدها	

مدل پارادایمی اعتماد سیاسی از منظر امام خمینی علیه السلام



شرح الگوی اعتماد سیاسی از منظر امام خمینی علیه السلام

درک اعتماد سیاسی از منظر امام خمینی علیه السلام به‌مثابه «اعتماد متقابل»، متأثر از یک‌سری شرایط و بسترها بوده و در نتیجه تعاملات و رفتارهای خاصی حاصل شده است. همچنین درک مذکور، خود دارای نتایج خاصی است که در ادامه، به این نکات توجه می‌شود.

همان‌طور که بیان شد «اعتماد متقابل» هسته مرکزی و مرکز ثقل الگوی پیشنهادی این پژوهش است. براساس آنچه از بیانات امام درک و استنباط می‌شود و فضای معنایی اعتماد سیاسی را برمی‌سازد؛ اعتماد سیاسی یا نهادینه در ایران از جنس «اعتماد متقابل» یا دوسویه است. این مفهوم بدان معناست وجود پیوندهای سست و قوی مبتنی بر تفاهم یا خصومت در میان شهروندان و دولت، و وجود خشونت، بی‌تفاوتی و همکاری در سطح زندگی سیاسی، معلول اعتماد دوسویه میان شهروندان و نظام سیاسی است. هرچند از نظر امام نقطه شروع این رابطه می‌بایست توسط دولت و نظام سیاسی باشد، اما تداوم آن نیازمند اعتماد متقابل شهروندان به نظام سیاسی است تا در یک فرایند دوسویه، انجام امور براساس دوستی، تفاهم و همکاری و رضایت دو طرف صورت پذیرد. از منظر امام، اعتماد سیاسی در بطن دو بستر سیاسی کلان شکل می‌گیرد: نخست «نظام استبدادی»، ضدخلقی، خودکامه، طاغوتی و پادشاهی است که به لحاظ ساختاری، موجب تضعیف فضای حسن‌ظن و اعتماد میان ملت و دولت می‌گردد. در چنین زمینه‌ای، بر شهروندان زور، ارعاب و فریب حاکمیت دارد، دولت نسبت به مسائل و مشکلات شهروندان بی‌اعتناست، زمامداران اراده خود را مافوق خواست و اراده مردم تفسیر می‌کنند و از آنجا که فاقد پایگاه اجتماعی در میان توده‌های ملت هستند، اساساً نیازی به برقراری ارتباط نزدیک با آنان نمی‌بینند و در جهت جلب اعتماد آنان دغدغه‌ای ندارند.

دومین مقوله‌ای که در اندیشه سیاسی - اجتماعی امام از «تعیین ساختاری» برخوردار است و سایر شرایط، کنش‌ها و تعاملات میان شهروندان و متصدیان امور را تعیین می‌کنند؛ «مردم‌سالاری دینی» است. چنین نظامی بر پایه انگاره‌های ایمانی و اعتقادی مردم بنا شده و دولتمردان از میان توده مردم وارد هیئت حاکمه می‌شوند. دریافت امام خمینی علیه السلام از قواعد زندگی سیاسی ایرانیان بر این باور است که مردم به روحانیت در تشکیل حکومت اسلامی اعتماد داشته و لذا همکاری و مساعدت متقابل دولت و ملت محتمل است.

امام خمینی علیه السلام در بیان عوامل و شرایط تعیین‌کننده اعتماد سیاسی به سطوح میانه‌تر نیز قدم می‌گذارد و عواملی نظیر «میزان شکاف دولت - ملت»، «میزان توجه به مردم» و «میزان تعهد و خدمت» را در افزایش یا کاهش میزان اعتماد ملت و دولت مؤثر می‌داند. از نظر امام هرچه شکاف دولت و مردم بیشتر باشد؛ دستیابی به بین‌الذهان مشترک، تفاهم و همدلی سخت خواهد شد. هرچه دولتمردان جایگاه پایین‌تری برای شهروندان قائل شوند و نسبت به مسایل آنان بی‌توجه و خود را بی‌نیاز از ارتباط با آنان بدانند، این شکاف و فضای دوقطبی تقویت شده و متعاقب آن اعتماد کمتری حاصل می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد از منظر ایشان، مرجع یا مولد اعتماد سیاسی در جامعه، دولت و عملکرد نظام سیاسی است. به این معنا که اعتماد سیاسی فرایندی بالابره پایین بوده و عواملی چون پاکدستی، تعهد به اجرای احکام اسلامی، تخصص و خدمتگزاری به ملت بر میزان اعتماد شهروندان به نظام سیاسی تأثیرگذار است. به بیان امام هرچه پایبندی «مراجع امور» (مسئولان قضایی، اجرایی، نظامی، انتظامی و روحانیون) به دین در گفتار و رفتار بیشتر باشد؛ شهروندان جامعه اسلامی بیشتر به آنان اعتماد خواهند کرد. در کنار تعهد به اسلام، توانایی اداره دستگاه مطبوع و داشتن تخصص کافی، خودشناسی، عدم عضویت در سیستم فاسد رژیم گذشته، عدم شهرت به سرمایه‌داری، عدم انحراف فکری و عقیدتی نیز لازم است. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۵ / ۱۵۱؛ ۱۲ / ۲۷۸) اما علی‌رغم آنچه گفته شد «رسانه‌های ارتباط جمعی» از طریق تبلیغات غیرواقعی و تشویش اذهان عمومی می‌توانند مسیر تقویت اعتماد سیاسی را منحرف و تضعیف نموده و شهروندان را نسبت به نظام و دولتمردان خدمتگزار آن بدبین کنند.

گزینه‌های انتخابی، تاکتیک‌های راهبردی و به‌طور کلی رفتارهای روزمره، احساسات و واکنش به شرایط و بسترهای موجود ضلع دوم الگوی پارادایمی را تشکیل می‌دهد. آنچه از بیانات امام حاصل شد در سه مقوله «کنش‌های انفعالی»، «تقابل خصومت‌آمیز» و «مساعدت همدلانه» خلاصه می‌شود. در شرایطی که پیوندهای ضعیفی میان دولت و ملت وجود دارد، به دلیل احساس بیگانگی شهروندان از دولت، ناتوانی در تغییر شرایط موجود و ترس از هیئت حاکمه، گزینه انتخابی، کناره‌گیری و انفعال خواهد بود. در نبود فضای حسن‌ظن و اعتماد، راهبرد ارباب، خشونت و سرکوب شهروندان از سوی حاکمان توجیه می‌شود و رفتار آنان با مخلوطی از اعمال زور و فریبکاری، فضایی از دروغ، فریب و ارباب را می‌سازد. احساس خصومت و دشمنی میان دولت و

ملت گسترش می‌یابد و اولین واکنش مردم می‌تواند عدم حمایت و پشتیبانی از دولت و سیاست‌های آن باشد. همچنین نارضایتی و خشم مردم در تظاهرات ضددولتی نشانه‌ای از فقدان اعتماد سیاسی است. از منظر امام خمینی علیه السلام مجموعه رفتارهایی نظیر نقض قوانین، فرار مالیاتی، تضییع اموال عمومی، کارشکنی در اجرای امور، شادمانی از برکناری دولتمردان و تنها گذاشتن دولت در شرایط جنگ و تحریم، نمود عینی بی‌اعتمادی شهروندان به نظام سیاسی است.

مجموعه رفتارها و احساساتی که ما آنرا «مساعدت همدلانه» می‌نامیم، معرف میزان مطلوب اعتماد سیاسی از منظر امام خمینی علیه السلام است. اعتماد دولت به مردم و حسن‌ظن شهروندان نسبت به خدمتگزاری دولت، اوج خود را در تفاهم و روابط عاطفی و قلبی نشان می‌دهد. تفسیر مثبت شهروندان از خدمات دولت، فضایی از مفاهمه و دوستی را ایجاد می‌کند که در آن هماهنگی و تشریک مساعی دولت و ملت در مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، همچنین جنگ و بحران داخلی و خارجی به وضوح دیده می‌شود. مقوله «حفظ نظام سیاسی» مهم‌ترین پیامد اعتماد سیاسی از نگاه امام است. از نظر ایشان در شرایط کسری اعتماد سیاسی، آسیب‌پذیری نظامی و سیاسی و بی‌ثباتی در انتظار جامعه خواهد بود و با وفور آن، بقاء و حیات نظام جمهوری اسلامی تضمین خواهد شد.

نتیجه

در حال حاضر ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های سازنده آن از جمله اعتماد سیاسی تنوع و تکثر زیادی یافته و هر کدام از منظری خاص و با توجه به زمینه مورد مطالعه؛ احکام خاصی را ارائه کرده‌اند. لذا در این حوزه مانند سایر عرصه‌های علوم انسانی نمی‌توان انتظار تئوری جامع و جهان‌شمولی بود. بنابراین لازم است چنین پدیده‌هایی متناسب با بستر سیاسی اجتماعی آن مطالعه و الگوی بومی آن استخراج شود. در این فرصت تلاش شد با اتخاذ رویکردی نو به سراغ اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام رفته و از اندوخته تجربه سیاسی و اجتماعی ایشان در جهت طراحی الگوی بومی از اعتماد سیاسی استفاده شود.

گردآوری و تحلیل داده‌های صحیفه امام براساس روش تئوری زمینه‌ای، این بخش از واقعیت زندگی سیاسی ایرانیان را نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی اساساً خصلت دوسویه و بازتولیدی دارد. به عبارت دیگر تحت تأثیر زمینه دمکراتیک یا استبدادی، قدم اول در جذب اعتماد شهروندان از طریق دولت برداشته می‌شود. آنگاه تحت کنش‌ها، احساسات و تعاملات افراد شکل می‌گیرد و پیوستاری از احساس دشمنی، دوری، جدایی و ناامیدی تا همدلی، تفاهم، دوستی و یگانگی؛ اذهان شهروند ایرانی را نسبت به دولت بازسازی می‌کند و رفتارهایی نظیر فرار مالیاتی، کارشکنی در امور جاری، رهاکردن دولت در شرایط بحران تا همکاری، فداکاری و مساعدت دولت در پیاده شدن بهتر سیاست‌های اتخاذی توجیه می‌نماید. انعکاس انتخاب‌ها و استراتژی‌های مردم و دولت، نهایتاً در حفظ نظام سیاسی و ثبات آن خلاصه می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. احسانیان عربی، مجید، ۱۳۹۲، «کارکردهای رسانه ملی با تأملی بر نقش آن در حوزه اعتماد سیاسی»، *فصلنامه ره‌آورد سیاسی*، شماره ۴۲، پاییز و زمستان.
۲. اردبیلی، سید عبدالغنی، ۱۳۸۱، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. ازکیا، مصطفی، ۱۳۷۹، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷.
۴. استراوس، آنسلم و جولیت کورین، ۱۳۹۱، *اصول تحقیق کیفی - شیوه‌ها و رویه‌ها*، ترجمه ناهید نیری و دیگران، تهران، اندیشه رفیع.
۵. اعتمادی فرد، مهدی، ۱۳۹۲، «بررسی جامعه‌شناسانه اعتماد سیاسی - اجتماعی دانشجویان در ایران (با تکیه بر تحلیل ثانویه چند پیمایش ملی)»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۲۳، پاییز ۹۲.
۶. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۶، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴.
۷. ایمان، محمدتقی، ۱۳۹۰، *مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. پاتنام، رابرت، ۱۳۸۰، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ج ۱، ترجمه احمدتقی دلفروز، تهران، نشر روزنامه سلام.
۹. پناهی، محمدحسین و فریبا شایگان، ۱۳۸۶، «اثر دینداری بر اعتماد سیاسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۷.
۱۰. تاج‌بخش، کیان، ۱۳۸۴، *سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی*، در: *اعتماد، دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و علی بغیری، ۱۳۹۰، «انگاره‌های بین‌الذہانی، اعتماد سیاسی و خاتمه جنگ: بررسی موردی تأثیرات پذیرش آتش‌بس در جنگ ایران عراق بر جامعه ایران»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۸، زمستان ۹۰.
۱۲. ربانی، علی و محمد عباس‌زاده، ۱۳۸۸، «رویکرد نظریه زمینه‌ای روش نرم یا سخت؟»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۲۰، زمستان ۸۸.
۱۳. سید امامی، کاووس و رضا منتظری مقدم، ۱۳۹۱، «نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۸، پاییز ۹۱.
۱۴. فاین، بن، ۱۳۸۵، *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم*، ترجمه محمد کمال سروویان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۵. فلیک، یو، ۱۳۸۲، *درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی*، ترجمه عبدالرسول جمشیدیان، سیدعلی سادات و رضاعلی نوروزی، قم، سماء قلم.
۱۶. لیندلف، تامس و برایان تیلور، ۱۳۸۸، *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*، ترجمه عبدالله گیویان، تهران، همشهری.
۱۷. محمدپور، احمد، ۱۳۸۹ الف، *روش در روش درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۸. _____، ۱۳۸۹ ب، *ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۹. نیومن، ویلیام لاورنس، ۱۳۸۹، *شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی، تهران، کتاب مهربان نشر.
۲۰. هوشنگی، حمید و رشید جعفرپور، ۱۳۹۱، «ریشه‌ها و زمینه‌های بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه ایرانی در دوره رژیم پهلوی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۳، تابستان ۹۱.
21. Coleman, J. S., 1990, *Fundations of social Theory*, Cambridge, MA, Harvard University Press.
22. Hetherington, M. J., 2005, *Why trust matters: Declining political trust and the demise of American liberalism*, Princeton, NJ, Princeton University Press.
<http://essedunet.nsd.uib.no/cms/topics/2/>
23. Kasse, M., 1999, *Interpersonal trust*, political trust and noninstitutionalized political participation in Western Europe, *West European Politics*, 22.
24. Lane, L., 1969, *Political Thinking and Consciousness*, Glencoe: Free Press.
25. Morse, J. M., 2001, *Situating grounded theory within qualitative inquiry*, In R. S. Schreiber & P. N. Stern (Eds.), *Using grounded theory in nursing* (pp. 1 - 16), New York, Springer Publishing Company.
26. Newton, Kennet, 2001, Trust, Social Capital, Civil Society and Democracy, *International Political Science Review*, Vol. 22, No. 2.
27. Putnam, R., 1993, *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: NJ, Princeton University Press.
28. _____ 2000, *Bowling Alone: The collapse and revival of American community*, New York, Simon & Schoster.
29. Rothstein, B., 2001, *Social Trust and Honesty in Government: A Causal Mechanisms Approach*, Department of Political Science Goteborg University.
30. Tilly, C., 2005, *Trust and rule*, New York, Cambridge University Press.
31. Wright, J. D., 1976, *The Dissent of the Governed*, New York, Academic Press.
32. Wroe, Andrew, Nicholas Allen, Sarah Birch, The Role of Political Trust in Conditioning Perceptions of Corruption available at:
www.essex.ac.uk/government:ethicsandintegrity:wroeAllenBirchWebsiteVersion.pdf

